



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۱۸

رفعت حسینی

نکوهش بانوان و سنایی غزنوی

بخش یکم

سنایی غزنوی را { جفنگ پرستان } از مشهنشهان شاعر پارسی {ترتیب و تنظیم!} نموده اند.

از دریچه نگه کردن این نگارنده، سنایی به بیماری های زن ستیزی و مداحی ستم پیشگان و همچنین بیگانگی از ارزش های مدنی و فرهنگی دچار بوده است.

چندین سال پیش ازین، در کابل، وقتی برای نخستین بار این بیت سنایی را خواندم:

اشتقاقش ز چیست دانی زن؟

یعنی آن قحبه را به زور بزین

دیوان حدیقه، ص ۴۷، ۴

بران شدم که دیگر، هرگز و هیچ گاه، دیوان ابوالمجد محدود سنایی غزنوی را، برای خوانش، نگشایم و وقت خود را در چتلی دانی نیندازم. در همان روز آن کتاب خرافی را از کتابخانه خیلی کوچک شخصی ام نور کردم.

اگر طالبان اسلام گرا های بدوی یعنی با افکار بیابانگرد و صحرانشین هستند و زنان را لت و سنگسار می کنند، افکار [عبارت سنایی] نیز از اقلیم صحرا و بیابان می باشد. از یابو های خامهء علامه! سنایی پوسیده گرای:

دور باد ای برادر از ما دور

خواهر و دختر ار چه بس مستور

دیوان حدیقه، ۴

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ور تو را خواهر آورد مادر
شود از وي سياه روي پدر
توز ميراث ربعی او را ده
فحلی آور ورا سبک مسته
نام و ننگت به باد بر دهد او
بر سرت زود خاک بر نهد او
مرد بیگانه گردد از خانه
خانه ات پر شود ز بیگانه
ديوان حدیقه، ۴۴

از توکل نفس تو چند زنی
مرد نامی و لیک کم ز زنی
کاهلی پیشه کردی ای تن زن
وای آن مرد کو کمست از زن
ديوان حدیقه، ۷۹

اسب، زن باشد ای به دانش فرد
مرد را اسب و زن بود در خورد
استر آن را که زن بود حامل
بد بود بچه نایش حاصل
(ديوان حدیقه، ۸۳)

حمله با شیر مرد همراه است
حیله کار زن است و روباه است
همه روز از برای لقمه ی نان
این حدیث است و دوکدان زنان
ديوان حدیقه، ۳۸۸

دست باشد برادر و خواهر
آن چپ دختر و آن راست پسر
دیوان حدیقه، ۸۱

قصه ی یوسف ار ندانی تو
چون ز قرآن همی نخوانی تو
چون زن بود آفت و المش
راند قرآن به کام او قلمش
دیوان حدیقه، ۳۰۳

مر زنان راست کهنه تو بر تو
مرد را روز نو و روزی نو
دیوان حدیقه، ۷۱